

بررسی موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

سید مجتبی حسینی^۱، حامد عامری گلستانی^۲، بهرام یوسفی^۳، فریدون اکبرزاده^۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست پنجم، شماره ۹۴، بهار ۱۴۰۱

 20.1001.1.1735501.1401.25.94.5.0

چکیده

فرهنگ، از جمله عوامل پیونددهندهٔ آحاد مردم به یکدیگر است و از این رو، پرداختن امنیت فرهنگی، به نوعی به همهٔ افراد جامعه ارتباط دارد. در مقولهٔ امنیت فرهنگی باید هم به آسیب‌های آن (در وجه سلبی) و نیز آثار ایجابی آن برای تثبیت و ارتقای امنیت در جامعه توجه نمود. از این رو، پرداختن به این موضوع، خود می‌تواند در باز کردن بابِ مباحثِ اساسی در زمینهٔ امنیتِ همه‌جانبه، چه در عرصهٔ عمل و چه در عرصهٔ نظر کمک کند. این مسئله از دغدغه‌های مهم آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های اخیر بوده است و در این پژوهش با توجه به بیانان ایشان این پرسش مورد بحث قرار خواهد گرفت که موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ روش این پژوهش «تحلیل گفتمان لاکلا و موف است. مهم‌ترین یافته‌های آن نیز عبارت‌اند از اینکه: آیت‌الله خامنه‌ای تهدیدات امنیت فرهنگی را «اسلام‌زدایی»، «تهی کردن انقلاب از درون»، «فاسد کردن جوانان و اشاعهٔ فساد سبک زندگی غربی» و «ناکارآمدی برخی از مدیران اجرایی فرهنگی» می‌داند. در مقابل، با ارائهٔ راه‌کارهایی که دال‌های گفتمان ایشان را مشخص می‌کند تأمین امنیت نرم در حوزهٔ فرهنگ را «ترویج فرهنگ دینی و تعلیم فضایل اخلاقی»، «داشتن اقتدار و قوی نمودن کشور در عرصهٔ فرهنگی»، «ارائهٔ سبک زندگی ایرانی‌اسلامی» و «مدیریت جهادی کارآمد، اجرای صحیح قوانین و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی» می‌دانند.

واژگان کلیدی:

امنیت فرهنگی، جنگ نرم، گفتمان، گفتمان رهبری

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد بین‌المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران
aseman62smh@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
hamed.ameri@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
brmyousefi@gmail.com

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
drferedounakbarzadeh@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

۱-۱- مقدمه موضوع

فرهنگ، «پیونددهنده» همهٔ مردم و از بنیان‌های مستحکم یک جامعه است و در عین حال از مهم‌ترین شاخص‌ها در نظام فکری هر جامعه و به‌خصوص جامعهٔ اسلامی است. انقلاب اسلامی که یکی از وجوه مهم آن اصلاح بنیادین مسائل فرهنگی بود، همواره به این مسئله توجه زیادی نشان داده است و در عین حال از این ناحیه نیز همواره مورد تهدید بوده و هست؛ بنابراین، زمانی که سخن از فرهنگ به میان می‌آید، «امنیت» آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. می‌توان گفت یکی از ابعاد مهم این امنیت «جنگ نرم» است که تهدیدات کشور را در حوزهٔ فرهنگی نشان می‌دهد و چنان اهمیت دارد که در چند سالهٔ اخیر نیز مورد توجه مقام معظم رهبری نیز بوده است. فرهنگ هر جامعه‌ای از مؤلفه‌های گوناگونی تشکیل شده است. برخی از آن‌ها «عقلایی»، برخی «واقع‌بینانه»، برخی «سازنده» و «عادلان» و نیز «پویا» هستند. (رجایی، ۱۳۹۶، ۵۷) در مباحث علوم اجتماعی و انسانی، فرهنگ را همهٔ آن چیزی می‌دانند که در یک جامعهٔ انسانی به شیوهٔ اجتماعی در طول نسل‌های گوناگون از فردی به فرد دیگر انتقال پیدا می‌کند. از این‌رو، فرهنگ مفهومی کلی برای اشاره به جنبه‌های سمبولیک و در عین حال آموختهٔ جوامع انسانی می‌باشد (Marshal, 2009, 137) همچنین، فرهنگ نشان‌دهندهٔ «باورها»، «رفتارها»، «دانش‌ها»، ارزش‌ها و نیز «خواست‌ها»هایی که روش زندگی هر ملتی را نشان می‌دهد و بیان‌گر آن است که ایشان چه می‌کند و به «چه» و «چگونه» می‌اندیشد. (روح‌الامینی، ۱۳۷۷، ۱۹)

جوانب مختلف فرهنگ به‌خصوص مذهب و هویت ملی، به‌عنوان دو بنیاد مهم فرهنگی، باید مورد توجه قرار گیرند. در اینجا، فرهنگ به‌صورت یک کل هم‌پیوسته فرض شده است که به دلایل متعدد، از جمله در معرض فرهنگ بیگانه بودن، دچار آسیب‌هایی شده است و پرداختن به امنیت آن، به‌مثابهٔ یک اصل بنیادین برای حفاظت از آن اصلی بنیادین است. این مقاله، ضمن واکاوی مسئلهٔ قدرت و جنگ نرم، با دیدگاه گفتمانی به دو موضوع «موانع» و «راهکارهای» تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد.

۱-۲- ضرورت موضوع

امنیت، دارای ابعاد گوناگونی است. بُعد سخت و نرم امنیت، از دیرباز مورد توجه پژوهش‌گران بوده است و از این‌رو، هنگامی که به مقولهٔ «امنیت نرم» پرداخته می‌شود، جنبه‌های مختلف آن نیز باید در نظر گرفته شود. «امنیت فرهنگی» بخش مهمی از امنیت



نرم را تشکیل داده و در عین حال، فرهنگ، خود، در معرض تهاجم بیگانگان قرار دارد و اگر گفتمانی به آن نگریسته شود در یک «غیریت‌سازی» با «دیگر» فرهنگ‌ها قرار دارد. از این‌رو، بدون توجه به «امنیت فرهنگی» نمی‌توان به امنیت نرم پرداخت. امنیت فرهنگی، به دلیل اهمیت فرهنگ در «پیوند» اقشار مختلف جامعه به یکدیگر مهم و اساسی است. از سوی دیگر آسیب‌هایی که از راه فرهنگ بر این پیوندها وارد می‌شود، ضرورت پرداختن به آن را دوچندان می‌کند. وجه دیگر ضرورت مسئله امنیت فرهنگی آن است که امنیت فرهنگی، هم تأمین‌کننده امنیت ملی است و هم از وجوه اصلی تشکیل‌دهنده آن است.

۱-۳- اهمیت موضوع

مسائل فرهنگی، در ابعاد مختلف، همواره مورد توجه بوده است. یکی از ابعاد مقوله فرهنگ «امنیت فرهنگی» است که در دهه‌های اخیر، به سبب آسیب‌ها و نیز پیامدهای مختلف مربوط به آن، مورد توجه قرار گرفته است. فرهنگ، به واسطه فراگیری آن و نیز جوانب مختلف آن، همواره در معرض آسیب قرار داشته و از سوی دیگر وجود پیوندهای فرهنگی در جامعه، موجب افزایش «امنیت فرهنگی» می‌شود. از این‌رو، زمانی که موضوع فرهنگ پیش می‌آید، باید ضمن تبیین وجوه آن، به آسیب‌های آن (در وجه سلبی) و نیز آثار ایجابی آن برای تثبیت و ارتقای امنیت در جامعه توجه نمود. این مسئله، مورد توجه مقام معظم رهبری نیز بوده است و ایشان در موارد متعددی، هم به وجه ایجابی امنیت فرهنگی و هم به وجوه سلبی و آسیب‌های آن توجه داشته و دارند. از این‌رو، پرداختن به این موضوع، خود می‌تواند در باز کردن باب مباحث اساسی در زمینه امنیت همه‌جانبه، چه در عرصه عمل و چه در عرصه نظر کمک کند. همچنین، اهمیت کاربردی این پژوهش، در امور سیاست‌گذاری فرهنگی (در سطوح مختلف) دارای اهمیت است، چرا که مقوله فرهنگ، به خصوص در عصر جهانی شدن و نیز تقابلات فرهنگی گسترده، دارای اهمیت زیادی است.

۱-۴- مسئله اصلی

مسئله اصلی این مقاله، مقوله «امنیت فرهنگی» در جمهوری اسلامی ایران و در عین حال، چگونگی تأمین آن است. این موضوع، به صورت گفتمانی، از دیدگاه مقام معظم رهبری که «امنیت فرهنگی» از اصلی‌ترین دغدغه‌های ایشان است، بحث می‌شود و «صورت‌بندی» گفتمانی آن خواهد آمد. بر این اساس، این پرسش مورد بحث قرار خواهد گرفت که موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

نحوه سازماندهی مقاله

در این مقاله، ابتدا به چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق، پرداخته و سپس با توجه به پرسش مقاله، ابتدا «تهدیدات حوزه فرهنگ» به‌عنوان مؤلفه‌های گفتمان تهدیدکننده



امنیت فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و سپس، «غیر» آن، یعنی گفتمان مقام معظم رهبری در زمینه امنیت فرهنگی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- ادبیات موضوع و پیشینه موضوع

۱-۲- مبانی نظری

۲-۱-۱- قدرت و جنگ نرم

در فهم جنگ نرم، «بر قدرت نرم و ابزارهای نرم‌افزاری اعمال قدرت تأکید می‌شود.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ۸) به این نکته باید توجه داشت که زمانی که در مورد جنگ نرم صحبت می‌شود، باید پیش از آن توجه داشت که اساساً بیش از همه وقتی صحبت از جنگ به میان می‌آید همواره تصویر «یک جنگ متعارف وجود دارد که در آن سلاح‌ها، اهداف، روش‌های اندازه‌گیری اثربخشی نبردها و فرمول‌هایی برای به نتیجه رساندن چنین جنگی وجود دارد. این یک سنت طولانی بین‌المللی در مورد استفاده از زور است. در جنگ متعارف تمایز بین نیروهای جنگنده و شهروندان یا غیرنظامیان را می‌پذیرد و شامل محدودیت‌هایی است که اغلب در معاهدات بین‌المللی وجود دارد، همانند آنچه در کنوانسیون‌های وین آمده است.» اما در سوی دیگر، زمانی که سخن از جنگ نرم به میان می‌آید، چنین مسائل و مقولاتی، کمتر برای آن وجود دارد و نه «گفتمان دقیقی از روش‌های قابل قبول و نه محدودیت‌های بیان شده» (Price, 2012, 2399) برای آن وجود دارد.

این مسئله، بیش از همه به مقوله قدرت نرم باز می‌گردد که جنگ نرم از آن نشئت می‌گیرد. چرا که «قدرت نرم مفهومی نادقیق است» و بیشتر در مورد «آنچه که نیست، یعنی قدرت سخت» تعریف می‌شود. «اگر قدرت سخت به عنوان توانایی عمدی برای ایجاد درد یا پاداش در تعقیب نفوذ تعریف شود، شناسایی آن با ابزارهای نظامی و اقتصادی سیاست راحت و قابل قبول است؛ بنابراین نقطه مقابل آن یعنی قدرت نرم، توانایی دستیابی به نفوذ از طریق ابزارهای غیرنظامی و اقتصادی است.» جوزف نای اصلی‌ترین بیان‌کننده قدرت نرم بوده است. (Gray, 2011, 26) و بخش مهمی از مباحث از گفتار نای برمی‌آید. او در تعریف قدرت می‌نویسد: «فرهنگ لغت به ما می‌گوید که قدرت به معنای توانایی انجام کارها و کنترل دیگران است، برای وادار کردن دیگران به انجام کاری که در غیر این صورت انجام نمی‌دادند. از آنجایی که توانایی کنترل دیگران اغلب با در اختیار داشتن برخی منابع مرتبط است، سیاستمداران و دیپلمات‌ها معمولاً قدرت را به عنوان در اختیار داشتن جمعیت، قلمرو، منابع طبیعی، اندازه اقتصادی، نیروهای نظامی و ثبات سیاسی تعریف می‌کنند. به عنوان مثال، در اقتصادهای کشاورزی اروپای قرن هجدهم، جمعیت یک منبع قدرت حیاتی بود زیرا پایه ای برای مالیات و استخدام پیاده نظام فراهم می‌کرد. (Nye, 1990, 154)



جوزف نای بین دو نوع قدرت تفاوت قائل است. قدرت سخت عبارت است از «توانایی واداشتن دیگران به رفتارهایی که برخلاف ترجیحات و استراتژی‌های اولیه آن‌هاست» (Nye, 2011, 11) و به‌ویژه «توانایی دستیابی به اهداف از طریق جذب به‌جای اجبار» در نهایت، نای قدرت هوشمند را به عنوان «تعادل قدرت سخت و نرم» معرفی می‌کند. (Nye, 2005) در توضیح این دیدگاه نای باید گفت که او، ضمن توجه به قدرت سخت اذعان دارد «ممکن است نظامی و اقتصادی اغلب باعث شود دیگران موضع خود را تغییر دهند. قدرت سخت می‌تواند بر انگیزه «هویج» یا تهدید «چوب» باشد؛ اما گاهی اوقات می‌توان بدون تهدید یا بازده ملموس به نتایج دلخواه رسید. راه غیرمستقیم برای رسیدن به خواسته‌ها، گاهی اوقات «چهره دوم قدرت» نامیده می‌شود. یک کشور ممکن است نتایجی را که می‌خواهد در سیاست جهانی به‌دست آورد، زیرا سایر کشورها می‌توانند، با تحسین ارزش‌های آن، الگوبرداری از آن، آرزوی رسیدن به سطح رفاه و فضای باز، می‌خواهند از آن پیروی کنند. از این نظر، تعیین دستور کار و جذب دیگران در سیاست جهانی نیز مهم است و نه تنها با تهدید نیروی نظامی یا تحریم اقتصادی آن‌ها می‌توان آنان را مجبور به تغییر کرد. این قدرت نرم، یعنی وادار کردن دیگران به خواستن نتایجی که شما می‌خواهید، به‌جای اینکه آن‌ها را وادار کند، آنها را با هم همراه می‌کند. (Nye, 2004, 5) در اینجا چوب و هویج به ایده تثبیت شده قدرت سخت اشاره دارد که از یک نیروی سخت رشد می‌کند. قدرت اقتصادی و نظامی دولت در مقابل، قدرت نرم از «جذابیت فرهنگ، آرمان‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور» ناشی می‌شود، چیزی که نای در مجموع آن را «ارزهای اولیه» یا منابع قدرت نرم یک کشور می‌نامد. (Sabet & Safshekan, 2013, 5) نای، در آخرین مقاله خود در مورد قدرت نرم به موضوعی توجه دارد که از منظر بحث حاضر دارای اهمیت است. او می‌نویسد: «مردم اغلب قدرت را مترادف با منابعی می‌دانند که (ممکن است) نتایجی ایجاد کند، اما سپس با این پارادوکس مواجه می‌شوند که کسانی که به بهترین وجه قدرت دارند، همیشه به نتایجی که می‌خواهند نمی‌رسند. اثربخشی یک منبع نیرو به زمینه بستگی دارد. به عنوان مثال، داشتن تانک‌های جنگی برتر به آمریکا کمک کرد تا در جنگ صحرا بر عراق پیروز شود. آن‌ها در زمینه باتلاق‌ها و جنگل‌های ویتنام کمتر موفق بودند.» (Nye, 2021, 2-3) او، بر این مبنا، جنگ بر اساس داشته‌های نظامی را چونان گرفتاری تلقی می‌کند که باید از آن اجتناب کرده و نظریه قدیمی خود، یعنی قدرت نرم را که سی سال از ارائه آن گذشته، درست می‌داند. این را می‌توان به استدلال پیشین او نیز ارتباط داد که استدلال می‌کند «قدرت نرم همیشه در درازمدت مهم‌تر از قدرت سخت است؛ بنابراین



استفاده از نیروی نظامی در شرایط استثنایی مشروع است، اما باید عمدتاً بر قدرت نرم تمرکز کرد.» (Nye, 2003, 212).

بر این اساس، قدرت نرم، می‌تواند جنگ نرم را در مخاصمات میان کشورها به وجود بیاورد. جنگ نرم براساس نشانه‌های گوناگونی شناسایی می‌شود. این فرایند را می‌توان بازتاب کاربرد قدرت نرم دانست. کشورهایی که از «ابزارهای لازم برای تولید قدرت نرم برخوردارند، دارای قابلیت‌هایی هستند که می‌توانند قدرت را به تهدید و تهدید را به جنگ تبدیل کنند. آنچه قدرت نرم را از قدرت سخت متمایز می‌سازد، می‌توان در ارتباط با شاخص‌ها و نشانه‌های تعارض نیز مورد توجه قرار داد؛ به عبارت دیگر، تولید هرگونه قدرتی، زمینه‌های شکل‌گیری همان‌گونه منازعه را فراهم می‌سازد.» (متقی، ۱۳۸۸، ۵۹) با نگاهی به جریان‌شناسی می‌توان گفت جنگ نرم از دیرباز مورد استفاده قرار گرفته و همواره از سوی انسان‌ها در جنگ‌ها به عنوان یک سازوکار مؤثر مورد توجه بوده است. (مرادی رستگار، ۱۳۹۴، ۲) برای مثال، حتی در شاهنامه، هم می‌توان رگه‌هایی از جنگ نرم را دید «در یکی از نامدارترین جنگ‌های روانی شاهنامه، یعنی جنگ روانی رستم با اشکبوس کشانی برپایه شگردهای جنگ نرم منطبق» است. (مهدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۶۱)

رویکرد جنگ نرم در سیاست‌های نظام امنیتی معاصر، برخاسته از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و مشاهدات تاریخی نیز بر اهمیت آن تأکید دارد. به‌طور اصولی، هر نوع اقدام در حوزه تأمین منافع ملی که با چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همراه است، مستلزم متقاعد نمودن افکار عمومی داخل و خارج از کشور است. (حبی و دیگران، ۱۳۹۳، ۹۰) در جنگ نرم بهره‌گیری از قدرت نرم علیه نظام‌های سیاسی مورد نظر برای تأثیر بر باورها و ارزش‌های بنیادین با هدف تغییر در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری متداول در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان است. (نائینی، ۱۳۸۹، ۹۰)

۲-۱-۲-۲- امنیت فرهنگی^۱

امنیت سنتی عمدتاً بر امنیت نظامی در سطح ملی متمرکز است؛ اما امنیت غیرسنتی بیشتر به موضوع امنیت فردی و به عبارت دیگر «امنیت انسانی» توجه دارد. امنیت ملی و ثبات سیاسی به طور جدایی‌ناپذیری با هم پیوند خورده‌اند و «امنیت انسانی» هدف نهایی «امنیت ملی» است؛ بنابراین هیچ کشوری نباید با در خطر نگه‌داشتن سایر کشورها، امنیت خود را حفظ کند. امنیت فرهنگی به عنوان بخش مهمی از امنیت غیرسنتی، نوعی امنیت پایدار از ویژگی‌های ارزشی و فرهنگی بنیادی از دولت و ملتی است که انسان به آن تعلق

^۱. cultural security



دارد. امنیت فرهنگی یک امنیت چندگانه است که شامل امنیت فرهنگی سیاسی، امنیت فرهنگی سنتی، امنیت فرهنگی قومیتی، امنیت آموزشی، امنیت مذهبی و غیره می‌شود. (Dapeng et. al, 2016, 845) در اینجا است که در تعریف امنیت فرهنگی باید گفت، «امنیت فرهنگی مهم‌ترین و ناملموس‌ترین بُعد امنیت ملی است و تهدیدات فرهنگی در هر کشوری از پیچیده‌ترین گونه‌های تهدید علیه امنیت ملی آن محسوب می‌شود؛ بنابراین، «امنیت فرهنگی» ذیل مقوله «امنیتی ملی» قرار می‌گیرد و از مؤلفه‌های اصلی آن به شمار می‌رود. در اینجا باید در نظر داشته‌که، تأکید بر عناصر فرهنگی ارزشی امنیت ملی کشورها، با تعریف‌های نو ارائه‌شده از امنیت ملی تناسب دارد با این رویکرد می‌توان امنیت فرهنگی را شرایطی دانست که طی آن «هر ملت بتواند ضمن حفظ هویت فرهنگی خویش و بدون برخورد با موانع مسیر تکاملی خود را بپیماید» (دشتی و باقری‌نیا، ۱۳۹۹، ۱۴)

مقوله «امنیت فرهنگی» در تداوم «امنیت ملی» و از شاخص‌های اصلی آن است، در قرن ۲۱ ضروری است که بر «مدخلیت بیشتر عنصر فرهنگ و اهمیت آن در فرهنگ تأکید زیادی» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷، ۸۶) شده است. امنیت فرهنگی موضوعی بین ثبات فرهنگی و تغییر فرهنگی است و باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که اصالت هویتی تغییر نکند. (محرمی، ۱۳۹۷، ۷۱) امنیت فرهنگی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها برای محافظت از ظرفیت‌های جامعه در برابر شرایط و تهدیدهای مادی و معنوی است. (زارع و دیگران، ۱۳۹۹، ۸۸) در عین حال، امنیت فرهنگی موجب آن است که یک ملت، ضمن حفظ هویت خود، بتواند، بدون برخورد با موانع بشری، راه پیشرفت و تکامل خود را طی کند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ۸۴) امنیت فرهنگی ملی که به حیات فرهنگی و معنوی یک کشور اطلاق می‌شود، توسط فرهنگ‌های بیگانه مداخله و کنترل نمی‌شود تا ارزش‌های ملی، سبک زندگی و خودمختاری ملی ایدئولوژی خود را حفظ کند. (Li et. al, 2020, 2)

حوزه فرهنگ یکی از حوزه‌هایی است که در تحولات اخیر جهانی، دست‌خوش دگرگونی‌های زیادی شده است. منشأ بخشی از این دگرگونی‌ها، عوامل خارجی است. این عوامل موجب شده‌اند بقای یک هویت فرهنگی خاص، تحت تأثیر قرار گیرد. در عین حال خصوصیات اساسی آن فرهنگ، برای حفظ و تداومش، تحت تأثیر این دگرگونی‌ها قرار گرفته و یا تهدید شده‌اند. همین مسئله، موجب شکل‌گیری مباحث امنیت فرهنگی شده است که می‌توان آن را بخش «نرم» مطالعات امنیتی دانست. در عین حال، باید توجه داشت که این مفهوم، تنها «سلبی» و به‌موجب تهدیدات نیست، بلکه مفهومی «ایجابی» نیز هست و همین، سبب شده است که از دیگر حوزه‌های مطالعات امنیتی که مبتنی بر مفاهیم و مقولات «سلبی» هستند، تمایز یابد. بر این مبنای امنیت فرهنگی ظرفیت جامعه جهت محافظت از آن ویژگی‌هایی



است که مخصوص به خود آن است، در برابر دگرگونی شرایط و تهدیدات مختلف مادی و معنوی. بر این مبنا، می‌توان امنیت فرهنگی را بقای الگوهای سنتی فرهنگ، هویت، زبان و آداب و رسوم دینی و ملی دانست که در حد مورد انتظار می‌توان به آن‌ها اجازه «دگرگونی‌های قابل‌پذیرش» داد. (Forrest, 2004, 1-3) به این موضوع باید توجه داشت که پیش‌ازین، تنها دولت مرجع امنیت بود و نگاه رئالیستی به مسائل امنیتی نیز مؤید آن بود، اما اکنون، بسیاری از پژوهش‌گران به ارزش‌های سنتی‌ای چون زبان و سبک زندگی و عقاید مذهبی که به عموم افراد تعلق دارند، به‌عنوان «مراجع امنیتی» توجه دارند که در مجموع هویت گروه‌های مختلف جامعه را تشکیل می‌دهد. (Wæver, et.al, 1993, 10) همچنین، مسئله امنیت فرهنگی ملی شامل: امنیت زبان، آداب و رسوم و اخلاق، ارزش‌ها و شیوه زندگی است. زبان اساسی‌ترین و ماندگارترین جزء تمدن است که با از بین رفتن آن فرهنگ ملی اهمیت خود را از دست می‌دهد. آداب و رسوم ملت در طول یک روند طولانی توسعه تاریخی شکل می‌گیرد و حتی با از بین رفتن زبان به اشکال مختلف تجلی می‌یابد. (Borisenko et. al, 2017, 535)

در دهه‌های پیشین، «کنار هم قرارگرفتن دو مفهوم امنیت و فرهنگ باعث معرفی عبارت «حساسیت فرهنگی^۱ با همه مضامین نهفته در آن، به جامعه علمی شده است. از این‌رو فرهنگ‌ها و سایر مفاهیم هم‌ریشه با آن‌ها^۲، در زمینه‌های خاص خود^۳، همواره موضوع پرسش‌های پژوهشی بوده‌اند.» (براتلو، ۱۳۹۱، ۱۵) برای «ارزیابی و سنجش میزان امنیت فرهنگی هرچند به دلایل مختلف نمی‌توان یک ملاک و معیار و روش دقیق اندازه‌گیری را ارائه داد، لیکن به‌منظور یک ارزیابی نسبی و به دست آوردن یک تحلیل کلی می‌توان شاخص‌هایی به شرح زیر ارائه نمود: ۱. میزان اقتدار و هژمونی مکتب در جامعه؛ ۲. میزان انسجام، هم‌گرایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های مختلف فرهنگی در درون جامعه؛ ۳. میزان پویایی، خلاقیت و قدرت تولید و بازتولید علم و آفرینندگی فرهنگی در جامعه؛ ۴. میزان توانایی و استعداد به جریان انداختن یک گفتمان فرهنگی مسلط در حوزه ملی و فراملی؛ ۵. میزان توانایی جامعه در مدیریت خرده‌فرهنگ‌ها؛ ۶. میزان توانایی جامعه برای حفظ و تداوم بخشیدن به باورها، ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های فرهنگی خویش؛ ۷. میزان توانایی جامعه و سازمان‌های فرهنگی کشور در اقناع‌سازی و تهییج افکار عمومی برای پشتیبانی و حمایت از تصمیمات نظام سیاسی، به‌ویژه در شرایط بحران؛ ۸. میزان پایداری

^۱. cultural sensitivity

^۲. cognates

^۳. context



ارزش‌ها، باورها و زیرساخت‌های فکری جامعه و نهادینه و درونی نمودن آن؛ ۹. ارتباط عمیق ساختارهای مختلف کشور با زیرساخت‌های فکری فرهنگی و باورها و ارزش‌های اساسی جامعه؛ ۱۰. میزان توانایی جامعه در جلوگیری از تهاجم فرهنگی دشمن؛ و ۱۱. میزان توانایی جامعه در بهره‌گیری از فناوری نوین ارتباطات و اطلاعات نظریه‌ها و رویکردها.» (نائینی، ۱۳۸۵، ۲۱۱-۲۱۰)

امنیت فرهنگی، در ارتباط مستقیم با مقوله امنیت بوده ولی و در عین حال، دارای تفاوت‌ها و تمایزاتی است که می‌توان آن را این موارد دانست: نخست اینکه تمرکز «امنیت ملی» بر دولت‌هاست در صورتی که امنیت فرهنگی، بیش از همه بر افراد تأکید و تکیه دارد. دوم اینکه، در امنیت ملی، حفظ امنیت شهروندان در مقابل تهدیدات بیرونی بیشتر است، در صورتی که امنیت فرهنگی هم به چالش‌های خارجی توجه دارد هم بر تهدیدات داخلی برای افراد نظر دارد. سوم اینکه، امنیت ملی، یک استراتژی برای تهدیدات ملموس است که از یک سو پیوسته است و از سوی دیگر مرتبط با زمان معینی است، در صورتی که بهبود وضعیت انسان، در یک «افق درازمدت» استراتژی اصلی امنیت فرهنگی است. (Smith, 2008, 8) باید در نظر داشت که مقوله امنیت فرهنگی را نمی‌توان در جای امنیت ملی جای داد، بلکه در این میان، تعامل این دو، دارای اهمیت است و بر این اساس، امنیت فرهنگی را می‌توان یک مقوله و استراتژی «تعاملی حمایت‌محور» دانست. (King & Murray, 2001-2002, 295)

۲-۲- پیشینه پژوهش

نویسندگان روش استفاده‌شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
اخوان مقدم و نویخت گیلوان (۱۴۰۰) توصیفی تحلیلی و تطبیقی	استخراج مبانی قرآنی اندیشه مقام معظم رهبری ناظر بر جنگ سخت و نرم	رهبری علاوه بر جنگ سخت، توصیه‌هایی در حوزه جنگ نرم در مباحثی چون جهاد سیاسی فرهنگی و اقتصادی و علمی داشته که سبب رشد و اعتلای جامعه اسلامی می‌شود و همه این بیانات ریشه‌های قرآنی داشته و بر منبع وحی استوار است.
صادقی‌زاده (۱۴۰۰)	مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم بسیط می‌تواند در گذر از فرآیند «تفهم» به تکوین «فهم»‌های متفاوتی بینجامد.	گذار به پارادایم فرهنگی امنیت، نتیجه مستقیم ورود به مرحله مدرنیته متأخر است که امکان طرح نظریات نوینی درباره امنیت فراهم آمد.



عرفان منش (۱۴۰۰) تحلیل مضمون	واکاوی ساختاربخش و عام، فرایند شکل‌گیری، رشد، تداوم، بازتولید و حراست از امنیت و آرامش در بیانات رهبر انقلاب اسلامی	آرامش و امنیت بسترساز سبک زندگی، پیشرفت جامعه و تحقق آرمان‌های اجتماعی است.
لطفیان کریم و دیگران (۱۴۰۰) تحلیل مضمون	بیان نظریه‌های مختلف جنگ نرم ماهواره‌ای، بررسی ابعاد مختلف و میزان تأثیرگذاری بر عقاید نسل جوانان آینده‌ساز	مهم‌ترین نقش جنگ نرم ماهواره‌ای در بخش رسانه‌ها و به‌خصوص رسانه‌های الکترونیکی است که باتوجه به قابلیت‌ها و کارکردهایی که دارند، می‌توانند در جهت حفظ سلامت و بهداشت روان و به‌عنوان یکی از عوامل تسهیل‌کننده هویت‌یابی برای جوانان کاربرد داشته باشند.
اعرابی (۱۳۹۹) توصیفی تحلیلی	بررسی و تحلیل مبانی قرآنی و روایی پیدایش چنین مقاومتی را در کلام مقام معظم رهبری	مقام معظم رهبری تنها راه برون‌رفت از مشکلات موجود در جهان اسلام را ایستادگی و مقاومت امت اسلامی دانسته‌اند.
دشتی و باقری‌نیا (۱۳۹۹) توصیفی تحلیلی	تحلیل بیانات رهبر انقلاب و واشکافی و تحلیل مقوله امنیت فرهنگی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران.	با تکیه بر مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی اسلامی، تزریق امنیت فرهنگی و خروج از وضعیت موجود با اخلاق‌مداری، معنویت‌گستری، عقلانیت، در قالب کار جهادی، خدمت‌محوری، سبک زندگی ایرانی اسلامی، تمدن نوین اسلامی، امکان‌پذیر است.
زارع و همکاران (۱۳۹۹) توصیفی پیمایشی	طراحی الگوی امنیت فرهنگی در توسعه پایدار.	عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل محیط زیستی، عوامل سیاسی، عوامل ملی، مذهبی در این طراحی الگوی امنیت فرهنگی در توسعه پایدار تأثیرگذارند.
شفیعی و مولایی (۱۳۹۹)	کلام نورانی وحی با چه روشی، انسان‌ها را به بلندای تحول فرهنگی و همه‌جانبه فردی و اجتماعی رساند؟	وظیفه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، چه آحاد مردم و چه مسئولان در همه سطوح، تربیت مردم بر اساس جهان‌بینی اسلامی و معنویت الهی آن می‌باشد. این تلاش زمینه‌ساز تشکیل «تمدن اسلامی» می‌باشد.
فرجی و دیگران (۱۳۹۹) تحلیلی توصیفی	خلق راهبردهای مقام معظم رهبری، یک رویکرد گفتمانی پساتوسعه‌گرایانه ^۱ با رویکردی دینی‌ملی است	راهبردهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای در اندیشه و عمل مبتنی بر گفتمان مقاومت ملی و منطقه‌ای و فعال در همه زمینه‌ها برای مقابله با نظام سلطه و هژمونی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

1. Post-developmental



<p>آن‌ها در مرزهای جغرافیایی جهان اسلام و مشخصاً جمهوری اسلامی ایران، است.</p>	<p>که نافی تمامی نظریه‌های خطی و کلاسیک توسعه است که جهان سوم و کشورهای جنوب را به نفع کشورهای شمال و الگوهای توسعه‌ای آن‌ها به حاشیه می‌برد.</p>	
<p>راهبرد مقاومت مفهومی چندبعدی است که با نفی سلطه و ایجاد بازدارندگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی زمینه را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی فراهم می‌سازد.</p>	<p>بررسی چپستی راهبرد مقاومت، ابعاد، زمینه‌ها، پیامد و چشم‌انداز آن در اندیشه مقام معظم رهبری به‌عنوان مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در پیشرفت جامعه اسلامی</p>	<p>مهدی پور (۱۳۹۹) داده‌بنیاد</p>
<p>ابعاد امنیت را در شش بُعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دفاعی امنیتی و زیست محیطی می‌توان سازمان‌دهی کرد.</p>	<p>احصاء ابعاد امنیت از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)</p>	<p>حبیب‌زاده (۱۳۹۸) تحلیل‌گفتمان</p>
<p>مهم‌ترین چالش، آسیب‌ها و موانع امنیت فرهنگی عبارت‌اند از ایجاد تردید، ابهام و شبهه در نظام فرهنگی، خودباختگی عناصر جبهه خودی، عملکرد نامناسب برخی از متولیان و دستگاه‌های فرهنگی، تهاجم و شیخون فرهنگی، التقاط، عدم شایستگی، رفاه‌طلبی و دنیازدگی و کم‌توجهی برخی مدیران و مسئولان کشور به موضوع فرهنگ.</p>	<p>تبیین و شناخت آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>حیدری و مطلبی (۱۳۹۸) توصیفی تحلیلی</p>
<p>بررسی امنیت فضای مجازی در رویکرد فرهنگی مقام معظم رهبری به‌عنوان خلأ مباحث در فضای سایبری این مرز و بوم است.</p>	<p>رویکرد فرهنگی مقام معظم رهبری چه تأثیری بر امنیت فضای سایبر در ابعاد داخلی و خارجی می‌گذارد؟</p>	<p>رضا پور و اسکندری‌نسب (۱۳۹۸)</p>
<p>با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی از نظر ایشان را می‌توان: تعلیم تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی و عوامل تهدیدکننده: وابستگی فرهنگی، خودباختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی بیان کرد.</p>	<p>مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟</p>	<p>سیمبر و رضاپور (۱۳۹۷) تبیینی و توصیفی</p>



صولتی سروندی و کلانتر مهرجردی (۱۳۹۷) تحلیل گفتمان	تبیین الگوی هویت فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (حفظه‌الله).	مؤلفه‌های هویت فرهنگی در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) حاوی گفتمانی دفاعی برای غلبه بر جریان‌های رقیب است و موفق به ترسیم الگوی پیش‌فرض می‌شود.
نادریور و دیگران (۱۳۹۷) مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای	رویکرد نظری و کاربرد گفتمان‌سازی از دیدگاه مقام معظم رهبری در حوزه امنیت اجتماعی است.	تبیین مفاهیم و مبانی پایه امنیت اجتماعی، بازتولید امنیت، درگیر کردن نخبگان نظامی و دانشگاهی در حوزه امنیت، عمومی و فراگیر کردن گفتمان از طریق رسانه‌های جمعی، نهادسازی و ساختارسازی و بازتولید مفاهیم متناسب با نیازهای روز.
عیوضی و دیگران (۱۳۹۵)	معنا، مبنا، چیستی و چرایی جنگ نرم را در بیان و اندیشه رهبر معظم انقلاب	دغدغه مقام معظم رهبری را که دغدغه کشور، دین، اخلاق، فرهنگ و زندگی است به صورت نظام‌مند به لایه‌های مختلف جامعه منتقل و این موضوع برای همگان در قالب مسئله و مشکل طرح شود و همه در جواب آن تأمل کنند و مصونیت‌های لازم را برای مقابله با آن تدارک ببینند.
مرادی رستگار و دیگران (۱۳۹۴)	جنگ نرم، نوعی تلاش برای تصویرسازی ذهنی و مهندسی افکار عمومی است	بیان راهبرد های مقابله با جنگ نرم
ابراهیمی محمدی (۱۳۹۱)	بررسی جنگ نرم در بستر فرهنگ	از ابزارهایی که در جنگ نرم به کار گرفته می‌شود، می‌توان به اینترنت، رسانه‌های صوتی و تصویری، رایانه، موبایل اشاره کرد.
شایگان (۱۳۹۱) تحلیل محتوا	بررسی نظریات مقام معظم رهبری درباره امنیت پایدار.	امنیت پایدار همه‌جانبه است، متولیان آن علاوه بر سازمان‌های نظامی و قضایی، سایر سازمان‌ها و حتی مردم هستند و تمام آحاد جامعه را دربرمی‌گیرد.
دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۰)	واکاوی چگونگی و شیوه‌های اعمال قدرت در قالب فناوری‌های قدرت در جنگ نرم	این امر طی سه مرحله هم‌زمان، یعنی تثبیت ارزش‌های خودی، تخریب ارزش‌های دیگری و تبدیل دومی به اولی، از طریق فناوری‌های قدرت مولد تحقق می‌یابد. مرجعیت‌سازی، گفتمان‌سازی، فرهنگ‌سازی و سوزنه‌سازی، از جمله مهم‌ترین فناوری‌های قدرت در جنگ نرم هستند.
افتخاری (۱۳۹۰)	اتخاذ رویکردی قرآنی برای پاسخ‌گویی به سؤال از «چیستی جنگ نرم و	تربیت دینی، بنیاد اخلاقی قدرت سیاسی و منابع نرم‌افزاری قدرت، (به‌مثابه ارکان اساسی انقلاب



اسلامی در ایران) سه هدف اصلی در جنگ نرم بر ضد انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آیند	شناسایی ارکان اجرایی «آن»	
فعالیت‌های آنلاین تأثیر قابل توجهی بر هویت فرهنگی و امنیت فرهنگی دارند و در این میان فعالیت‌های آنلاین منفی تأثیر بیشتری نسبت به نظرات آنلاین مثبت بر هر دو دارند. علاوه بر این، هویت فرهنگی تأثیر بسزایی بر امنیت فرهنگی دارد. در عین حال، تأثیر هویت فرهنگی بر فعالیت‌های آنلاین و امنیت فرهنگی تا حدی واسطه است.	ارتباط امنیت ملی و امنیت فرهنگی	Li et. al (2020)
در این مقاله پدیده امنیت فرهنگی بر اساس «وحدت سیستماتیک» و «تفاوت‌های گونه‌شناختی» ارائه شد. این موضوع امکان تجزیه و تحلیل ویژگی‌های تجلی امنیت فرهنگی را به عنوان مثال امنیت مذهبی فراهم کرد.	تحلیلی نظری و روش شناختی امنیت فرهنگی فرامرزی در جهانی در حال جهانی شدن	Borisenko et. al (2017)
امنیت فرهنگی بخش مهمی از امنیت غیرسنستی است. این مشکلی است که باید به امنیت ملی توجه شود. امنیت فرهنگی «ارزش اساسی» و «هویت فرهنگی» ملی است که به عنوان احساس امنیت تلقی می‌شود. امنیت درون‌زا همیشه یک مشکل دشوار است، در ایجاد وحدت فرهنگی و توسعه تنوع فرهنگی و ایجاد الگویی جدید از منظر امنیت فرهنگی.	امنیت غیرسنستی: مطالعه امنیت فرهنگی درون‌زا	Dapeng et. al (2016)
در عصر ارتباطات اطلاعاتی هم تهدیدها و هم فرصت‌هایی برای فرهنگ وجود دارد. نویسنده آنچه را که چین برای مقابله و مهار آن‌ها انجام می‌دهد، ارزیابی می‌کند، قبل از بیان برخی توصیه‌ها در مورد اینکه چگونه سیاست امنیت فرهنگی می‌تواند بیشتر در آینده تقویت شود.	امنیت فرهنگی در عصر ارتباطات اطلاعاتی	(2014) Han
از زمان پایان جنگ سرد، فرهنگ، بازگشتی چشمگیر به صحنه بین‌المللی داشته است و حضور آن در هزاره جدید حتی بیشتر احساس خواهد شد، زیرا به درگیری‌های قدیمی دامن می‌زند یا شاید حتی قدرت جدیدی به دست می‌آورد. اقتناع فرهنگی، قادر به جابه‌جایی اجبار نظامی به عنوان یک ابزار سیاسی است.	مرور کلی فرهنگ، هویت و امنیت	Pasic (1998)



مهم‌ترین بحث در نوآوری این مقاله آن است ضمن بررسی گفتمان مقام معظم رهبری در زمینه امنیت فرهنگی، هم به وجه ایجابی این مقوله، یعنی «راهکارهای» تأمین امنیت فرهنگی پرداخته می‌شود و هم وجوه سلبی آن یعنی «موانع» تأمین امنیت فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد و به این نکته تأکید دارد که هر دوی این مقولات، در گفتمان ایشان به صورت «پیوسته» و در «پیوند» با یکدیگر «صورت‌بندی» شده‌اند.

۳- روش تحقیق

نوع تحقیق: توسعه‌ای.

استراتژی کلی تحقیق: استراتژی این تحقیق، رویکرد استقرایی^۱ است. در این رویکرد برای پاسخ دادن به پرسش اصلی تحقیق، به تحلیل دقیق داده‌های این پژوهش که بیانات مقام معظم رهبری است پرداخته شده تا از دل آن بتوان موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی شناسایی شود.

روش تحلیل داده‌ها: تحلیل گفتمان

روش‌های گردآوری داده‌ها: کتابخانه‌ای و اسنادی.

«روش عبارت است از ابزار کسب دانش در معنای وسیعش. می‌توان دو نوع روش را از هم تمایز داد: روش نظم دادن به تعلیم و روش یافتن دانش جدید. وجه اشتراک آن‌ها حرکت از معلوم به مجهول است. روش از لغت متد، است» که در یونانی از دو واژه «متا به معنا در طول، و اودوس، یعنی «راه»، گرفته شد و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است. اصطلاح روش، هم به خود «راه» اشاره دارد و هم به قواعد و ابزارهای رسیدن به آن.» (حقیقت، ۱۳۸۵، ۳۱) روش تحقیق اساسی‌ترین مقوله‌ای است که در هر پژوهش مورد توجه است و منطبق تحقیق دانسته شده و به نوعی منطبق یک پژوهش است و به کلیه وسایل و مراجع جمع‌آوری سامان‌مند اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آن‌ها برای رسیدن به هدفی معین گفته می‌شود. (خلیلی شورینی، ۱۳۸۵، ۲۲). «پایه هر تحقیق علمی، روش شناخت آن است و ارزش قوانین هر علمی به روش‌شناختی مبتنی است که در آن علم به کار می‌رود. از اصطلاح روش تحقیق معانی خاص و متمایزی در متون علمی استنباط می‌شود. این استنباط‌ها گاه دارای هم‌پوشانی و وابستگی‌هایی هستند و در مواردی هم روش تحقیق و نوع تحقیق مترادف منظور شده است.» (خاکی، ۱۳۹۹، ۳۵)

^۱. Inductive Approach



آنچه با نام روش تحقیق شناخته شده، به کارگیری اصول، فنون و راهکارهای انجام پژوهش است. به عبارت دیگر، روش به معنی فنون و راه‌های انجام تحقیق است. مجموعه فعالیت‌های لازمی که از ابتدا تا انتهای فرایند پژوهش صورت می‌پذیرد از جمله «طرح پژوهش» گردآوری داده‌ها و «تجزیه و تحلیل داده‌ها». روش تحقیق را تشکیل می‌دهند. پس می‌توان گفت که «روش»، عام‌ترین مقوله‌ای است که برای انجام هر پژوهشی مدنظر است. (منوچهری، ۱۳۸۷، ۱) «روش تحلیل داده‌ها می‌تواند کلاسیک با آماری باشد. به قول موريس دوورژه، روش کلاسیک از روش‌های نقد ادبی و نقد تاریخی مشتق شده‌اند و برای تحلیل درونی اسناد به کار می‌روند؛ در حالی که روش آماری و کمی به علوم هم‌چون اقتصاد و جامعه‌شناسی و با تحلیل کمی متن اختصاص دارد.» (حقیقت، ۱۳۸۵، ۵۷)

در این پژوهش، با توجه به اینکه به مسئله «تأمین» امنیت فرهنگی پرداخته می‌شود، ایجاد فضای گفتمانی می‌تواند از یک سو به فضای «تضاد»ی که موجب ناامنی و تضعیف در زمینه فرهنگ شود پرداخته می‌شود. گفتمان‌ها با «مفصل‌بندی» دال‌های مختلف حول یک دال، یک صورت‌بندی مشخصی را به وجود می‌آورند. گفتمان‌ها در عین حال به «معنادهی» به دال‌ها در «مفصل‌بندی» خود توجه دارند، چرا که بر اساس روش گفتمانی لاکلا و موف، بیرون از فضای گفتمانی مفاهیم معنا ندارند. از این رو، برای فهم درست، بر مبنای روش گفتمان، درک درست نظام معنادهی به مفاهیم و دال‌ها اهمیت زیادی دارد.

گفتمان‌ها ویژگی «معنادهی» به نهادها و ساختارهای اجتماعی دارند. این ویژگی مهم گفتمان است که از طریق معنادهی، نهادهای اجتماعی را در وضعیت جدیدی تعریف کند. می‌توان با هر نوع معنایی، یک واژه، یک گفته، یک متن یا یک نهاد اجتماعی را بازتعریف کرد و در نهایت برای آن کارکردی جدید تعریف نمود. «تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی آشکار می‌شوند.» (بشیر، ۱۳۸۵، ۱۴) به باور غالب تحلیل‌گران، تحلیل گفتمان به دلیل اینکه چارچوب نظری و روش منسجم و مناسبی را برای توصیف و تحلیل ساختار نظام‌های اندیشه‌ای و فرهنگی ارائه می‌دهد و به دلیل اینکه بدون انکار جنبه عینی پدیده‌های اجتماعی، آن‌ها را خارج از گفتمان قابل درک نمی‌داند برای بررسی پدیده‌هایی که صبغه فرهنگی اندیشه‌ای و جنبه ذهنی دارند مناسب است. با استفاده از تحلیل گفتمان که سعی در معنی‌کاوی دارد بهتر از سایر رویکردها به عمق معنایی و ژرفای این قبیل پدیده‌ها می‌توان دست یافت. این مدعا به منزله این نیست که تحلیل گفتمان رویکردی جایگزین برای سایر رویکردهاست، بلکه بدین معناست که این رویکرد می‌تواند جوانبی از پدیده‌های اجتماعی را که از دید سایر رویکردها پنهان می‌ماند، بر ما آشکار سازد. (شجاعی‌زند و قجری، ۱۳۸۷، ۶۹)



- گفتمان لاکلا و موف

از میان دیدگاه‌های مختلفی که در تحلیل گفتمان وجود دارد، تحلیل گفتمان لاکلا و موف، از مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌هاست. به خاطر آنکه این مدل تحلیلی، قابلیت زیادی برای تحلیل رویکردها و پدیده‌های سیاسی را داراست. توجه به اینکه در شکل‌گیری گفتمان، عناصر و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که همه یا بخشی از آن، می‌تواند در «صورت‌بندی» گفتمانی یک پدیده یا یک وضعیت (در اینجا امنیت فرهنگی) کمک کند، این رهیافت را به صورت ویژه‌ای، به یک رویکرد مهم در عرصه «درک» تحولات گوناگون یک جامعه در آورده است. از دیدگاه این دو «ادراک ما از واقعیت و شخصیت اشیاء واقعی به طور کامل به واسطه گفتمان ایجاد می‌شوند. ما به عنوان انسان وارد دنیایی می‌شویم که قبلاً از گفتمان‌ها تشکیل شده است و نمی‌توانیم اشیاء را خارج از آن را تصور کنیم. به همین دلیل، جهان گفتمانی و غیرگفتمانی را نمی‌توان از هم جدا کرد.» (Laclau, & Mouffe, 1985, 66).

اول چیزی که باید در مورد تحلیل لاکلا و موف در نظر داشت، این است که «مبنای» شکل‌گیری یک گفتمان، از دیدگاه آنان، وجود یک «دیگر» است که در روندی به نام «غیریت‌سازی» یک گفتمان را ایجاد می‌کند. همچنین «در گفتمان‌ها، وجود «غیر»، هم مایه انسجام‌بخشی به هویت گفتمان است و هم آن را از رقبای دیگر متمایز می‌کند. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یک‌دیگر شکل می‌گیرند و هویت تمامی آن‌ها منوط به وجود غیر است. از این‌رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود «غیریت‌سازی» می‌کنند. مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی»^۱ و «حاشیه‌رانی»^۲ همراه است. در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با به حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت دست‌نیافتنی به اطراف خود است.» (افسرده و دیگران، ۱۳۹۸، ۵۳) از این‌رو، گفتمان‌ها از راه «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سعی بر از میان بردن ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب» از «منطق تفاوت که به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد، استفاده می‌کنند. منطق تفاوت می‌کوشد از راه تأکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه جامعه، زنجیره هم‌ارزی را به هم بریزد. در اینجا خصومت و غیریت برجسته می‌شود. زنجیره هم‌ارزی بدین معناست که در فرآیند مفصل‌بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره

^۱. foregrounding

^۲. backgrounding



معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب می‌شوند و در مقابل یک غیر که به نظر می‌رسد آن‌ها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند. (سعیدی و دیگران، ۱۳۹۸، ۸۰)

تحلیل گفتمان لاکلا و موف، از روش‌هایی است که دارای مؤلفه‌های زیادی می‌باشد. البته، ممکن است در یک تحلیل، الزاماً همه آن‌ها ذکر یا حتی به کار گرفته نشوند. از این‌رو، در این مقاله، به‌خاطر آنکه توجه به «نشانه»ها و «دال»ها و «مفصل‌بندی» گفتمان امنیت فرهنگی است و این گفتمان از دیدگاه مشخصی (مقام معظم رهبری) مورد توجه قرار می‌گیرد، این مؤلفه‌ها بررسی خواهد گرفت.

- عنصر، دال و مدلول

از دیدگاه لاکلا و موف «موقعیت‌های متفاوت تا آنجا که به نظر می‌رسند در یک گفتمان بیان می‌شوند، لحظه‌ها نامیده می‌شوند. در مقابل، هر تفاوتی را که به صورت گفتمانی بیان نشده باشد، عنصر» نامیده می‌شوند. (Laclau, & Mouffe, 1985, 105) همچنین، «عنصر نیز نشانه‌ای است که معنای آن هنوز با یک دال مرکزی ثابت نشده است. عناصر یا نشانه‌هایی که معنای آن‌ها توسط گفتمان ثابت شده بود، لحظه نامیده می‌شوند.» (Prasad and Halfdan Aase, 2015, 48) در ادامه این لاکلا و موف معتقدند «هر گفتمانی به‌عنوان تلاشی برای تسلط بر حوزه گفتمانی، متوقف کردن جریان تفاوت‌ها، برای ساختن یک دال مرکزی شکل می‌گیرد. ما نقاط گفتمانی ممتاز این تثبیت جزئی را دال‌های مرکزی می‌نامیم.» (Laclau & Mouff, 1985, 112) همچنین، «دال‌ها یا نقاط مرکزی هم دال‌های شناور به حساب می‌آیند با این تفاوت که نقطه یا دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه موقتاً به حالت «انسداد یا توقف» در آمده است. ولی دال شناور به حالتی اشاره دارد که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت، برای تثبیت معنا شناور و معلق است.» (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ۱۱) همچنین، دال، «اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود.» (مقدمی، ۱۳۹۰، ۹۸)

- مفصل‌بندی^۱

اصلی‌ترین مفهوم در گفتمان لاکلا و موف که «گفتمان‌ساز» است، عمل «مفصل‌بندی» است. لاکلا و موف مفصل‌بندی را کرداری می‌دانند. به‌نظر آن‌ها «ما هر عملی را که رابطه‌ای بین عناصر برقرار می‌کند به‌گونه‌ای که هویت آن‌ها در نتیجه تمرین بیانی تغییر یابد،

^۱. articulation



مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساختارمند حاصل از تمرین مفصلی را گفتمان می‌نامیم.» (Laclau, & Mouffe, 1985. p.105) در عین حال، «مفصل‌بندی‌های خاص از طریق تثبیت کردن معنا به شیوه خاص گفتمان‌های موجود را بازتولید کرده یا به چالش می‌کشند؛ و از آنجا که همواره امکان چندمعنایی بودن وجود دارد، هر بیان شفاهی یا کتبی (و حتی هر کنش اجتماعی) نیز تا حدودی یک مفصل‌بندی یا نوآوری است، هر چند این بیان متکی بر معنا‌های از قبل تثبیت شده است، یعنی متکی به گفتمان‌هایی است که این نشانه‌ها در آن به بُعد بدل شده‌اند.» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۶۱)

- زنجیره هم‌ارزی^۱

در مفصل‌بندی دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. «این دال‌ها نشانه‌های بی‌محتوایند، یعنی به خودی خود بی‌معنا هستند تا اینکه از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها را از معنا پر می‌کنند ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آن‌ها باشند. گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی تفاوت‌ها را می‌پوشانند. جامعه ذاتاً متکثر است. زنجیره هم‌ارزی این تکثر را پوشش می‌دهد و نظم و انسجام می‌بخشد. در هم‌ارزی، عناصر، خصلت‌های متفاوت و معنا‌های رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل می‌شوند.» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳، ۱۹۱) مفصل‌بندی «بین موقعیت‌های موضوعی مختلف در یک زنجیره هم‌ارزی می‌تواند بسیار پیچیده باشد. در اینجا یک موقعیت، «دال مرکزی»، می‌تواند به‌عنوان موقعیت غالب ظاهر شود به این معنا که بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی مجدد به معنای موقعیت‌های دیگر در زنجیره دارد.» (smith, 1998, 89)

تضاد^۲

تضاد هم از مؤلفه‌های مهم تحلیل گفتمان لاکلا و موف است به اعتقاد آن‌ها «از آنجایی که تضاد، کلید درک شکل‌گیری هویت‌ها از طریق این رابطه خود/دیگری است و زبان و سایر اشکال «دال» همیشه در معرض تعدد معانی هستند، حوزه نمادین همیشه مستعد بی‌ثباتی است. شرایط امکان برای مبارزه هژمونیک با تضاد بین دو منطق رقیب «معادل» (گفتمان‌هایی که بر یکسانی هویت‌ها در نتیجه یک «منفی»، تهدید یا دشمن مشترک ادراک شده تأکید می‌کنند) و «تفاوت» (گفتمان‌هایی که در آن‌ها تأکید می‌شود) مشخص می‌شود. هویت‌ها از طریق تفاوت‌های غیر خصمانه و «مثبت» ساخته می‌شوند.» (Laclau)

^۱. chain of equivalence

^۲. Antagonism



(& Mouffe, 1985, 127) بنابراین، تضاد از یک سو با ایجادِ گفتمان سروکار دارد و از سوی دیگر با ایجاد هویت در گفتمان. در عین حال «تضادها را می‌توان از طریق مداخلات هژمونیک از بین برد. در یک مداخله هژمونیک، درک جایگزین از جهان سرکوب می‌شود که منجر به طبیعی شدن یک دیدگاه واحد می‌شود.» (Jørgensen & Phillips 2002: 37). همچنین «تضاد به عنوان نفی یک نظم معین، به سادگی، حد آن نظم است.» (Laclau & Mouffe, 1985, 126)

- هژمونی^۱

بخش عمده‌ای از روش گفتمان لاکلاو و موفه بر مفهوم هژمونی و آنچه که در سیاست تشکیل می‌دهد متمرکز است. این نظریه از مفهوم هژمونی به عنوان چارچوب تحلیل خود و دال مرکزی استفاده کرده است که از آنجا می‌توانند امر سیاسی را دگرگون و تعدیل کنند. آن را به عنوان ابزار مفیدی در مبارزه برای دموکراسی رادیکال، آزادیخواهانه و متکثر استفاده کند. (Mouffe, 2008:4). بر اساس این مفهوم، این مهم است که «در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت.» (عامری گلستانی و قادری، ۱۳۹۱، ۱۳۵-۱۳۶) موف، بر آن است که «شیوه‌های بیانی که از طریق آن‌ها نظم معینی ایجاد می‌شود و معنای نهادهای اجتماعی ثابت می‌شود، همان چیزی است که ما آن را «عملکردهای هژمونیک» می‌نامیم... آنچه در یک لحظه معین به عنوان «نظم طبیعی» پذیرفته می‌شود، همراه با عقل سلیم که آن را همراهی می‌کند، نتیجه شیوه‌های هژمونیک است.» (Mouffe, 2008: 4) هژمونی به عنوان «گسترش یک گفتمان یا مجموعه‌ای از گفتمان‌ها به یک افق غالب جهت‌گیری و کنش اجتماعی با استفاده از مفصل‌بندی عناصر ثابت‌نشده در لحظاتی جزئی ثابت در زمینه‌ای است که توسط نیروهای متضاد متلاشی شده است» (Torfing, 1999:101) «هژمونی، تثبیت نشانه‌ها است، اما مداخله هژمونیک این تثبیت را در میان گفتمان‌هایی که به طور متضاد با هم برخورد می‌کنند، به دست می‌آورد. یک گفتمان از میدان گفتمانی تضعیف می‌شود که گفتمان دیگری با بیان مجدد نشانه‌هایش بر آن غلبه می‌کند. مداخله هژمونیک در صورتی موفق است که یک گفتمان به تنهایی تسلط پیدا کند و تضاد از بین برود.» (Jørgensen & Phillips 2002: 48)

¹. Hegemony



مراحل انجام و به کارگیری روش:

در این پژوهش، با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، ابتدا «غیر» گفتمان مقاومت شناسایی و دال‌های آن به دست می‌آید. این دال‌ها عبارت‌اند از: «اسلام‌زدایی»، «تهی کردن انقلاب از درون»، «فاسد کردن جوانان و اشاعه فساد سبک زندگی غربی» و «ناکارآمدی برخی از مدیران». صورت‌بندی این گفتمان متضاد گفتمان مقاومت فرهنگی بر بستر جنگ نرم و به‌مثابه اصلی‌ترین تهدیدات فرهنگی جمهوری اسلامی است. از سوی دیگر دال‌های گفتمان مقاومت فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری «ترویج فرهنگ دینی و تعلیم فضایل اخلاقی»، «داشتن اقتدار و قوی نمودن کشور در عرصه فرهنگی»، «ارائه سبک زندگی ایرانی اسلامی»، «مدیریت جهادی کارآمد» است. همه این‌ها دال مرکزی «تأمین امنیت فرهنگی» صورت‌بندی می‌شود. در عین حال، این دال‌ها، راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی، بر مبنای گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه است.

۴- یافته‌های تحقیق

تهدیدات حوزه فرهنگی از دیدگاه گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

در این بحث، با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، دال‌های گفتمان «متضاد» گفتمان مقاومت فرهنگی از دیدگاه ایشان مورد بحث قرار خواهد گرفت. ایشان، این «دیگری» را در قالب «تهدیدات» امنیت فرهنگی مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌اند و از این‌رو، آنچه در پی خواهد آمد، «مفصل‌بندی» دال‌هایی است که تهدیدات اساسی یا آسیب‌های اصلی «امنیت فرهنگی» جمهوری اسلامی ایران دانست. حال که جمهوری اسلامی ایران در یک جنگ فرهنگی قرار دارد، باید گفتمانی جدید در جهت مقابله با این جنگ تعریف شود تا بتوان با همه‌گیری آن تمامی ارکان جامعه را جهت شرکت در جنگ و مقابله با دشمن دخیل نمود؛ بنابراین برای فهم گفتمانی نیاز است فضای «تخاصم فرهنگی» میان جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ‌های مهاجم ترسیم شود. برخی از این تهدیدات استراتژیک بوده و می‌تواند به اصل نظام اسلامی ضربه وارد نماید. مهم‌ترین تهدیدات حوزه فرهنگی را از دیدگاه مقام معظم رهبری که دال‌های «غیر» گفتمان ایشان را شکل می‌دهد، می‌توان موارد زیر دانست:

۱. اسلام‌زدایی و هویت دینی و ملی

از دیدگاه ایشان «از جمله تهدیداتی که دشمن همواره از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی متوجه ایران در حوزه فرهنگ ساخته است ایجاد خلل در باورهای دینی و انقلابی و موضوع اسلام‌ستیزی بوده است چرا که فرهنگ اسلامی و ایرانی می‌تواند ملت را به مقاومت رهنمود نماید.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۱۹)



ایشان این مقوله را، به قرآن کریم مرتبط دانسته‌اند و می‌فرمایند «هویت‌ی که بر اساس فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنَّفِصَامَ لَهَا؛ [بقره/۲۵۶] شکل گرفته و این یک اصل است؛ کفر به طاغوت و ایمان به خدا؛ یعنی ما همه عالم وجود را تقسیم می‌کنیم به دو قسمت: یک قسمت منطقه نفوذ طاغوت است، باید به آن کفر ورزید؛ یک قسمت منطقه نفوذ الله است، باید به او ایمان آورد، باید او را باور کرد. هویت ایمانی در مقابل هویت کفر. این به معنای این نیست که ما دائم بایستی با هر کسی که در هویت کفر است بجنگیم. این معنایش مقاتله نیست. این معنایش عدم ارتباط هم نیست. این معنایش [عدم] تبادل معلومات هم نیست. این معنایش استقلال هویت ایمانی و مرزبندی هویت ایمانی است تا [انسان] بتواند در مقابل هویت طاغوت و هویت کفر، خودش را حفظ کند، نگه دارد، تکمیل کند، رو به پیشرفت حرکت کند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲/۷)

از این دیدگاه، «دشمن» که «غیر» اصلی نظام اسلامی و تهدید اصلی آن است همواره در تلاش است تا از تبدیل شدن آموزه‌های اسلامی به یک گفتمان جلوگیری نماید لذا یک تهاجم همه‌جانبه را به سمت جمهوری اسلامی آغاز نموده است تا با یک حمله همه‌جانبه، یک جبهه عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم می‌کنند؛ و خودشان هم صریحاً می‌گویند که «غلبه بر جمهوری اسلامی و غلبه بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موفقیت‌آمیز نیست، [بلکه] با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موفقیت‌آمیز است؛ ذهن‌ها را باید تغییر داد، روی مغزها باید کار کرد، هوس‌ها را باید تحریک کرد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۵/۳۰) و همین تلاش برای تغییر ذهن‌ها عرصه تهاجم پیچیده و فراگیر فرهنگ جبهه استکبار بر ضد نظام اسلامی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۲۳) را نشان می‌دهد و دشمن به آن نقاطی متوجه می‌شود که پشتوانه استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار می‌دهد. دشمن روحیه صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار می‌دهد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲) از این بحث، ایشان به یکی از نشانه‌های مهم خود در گفتمان امنیت فرهنگی می‌رسند که «تهاجم فرهنگی» است. به این منظور «دشمنان نیاز دارند در جهت استعمار ملت آن‌ها را مورد تهاجم فرهنگی قرار دهند که این یکی از مهم‌ترین مصداق‌های گرفتن هویت و اعتماد به نفس برگرفته از ایمان به خداوند در یک ملت است در واقع دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می‌کند مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد؛ و در اصطلاح، «مقاومت شکنی» کند و سنگرها را از بین ببرد. مهم‌ترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دل‌ها فرو بریزند و از بین ببرند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۷/۴) به اعتقاد ایشان، «در این تهاجم خطرناک، نه فقط ارزش‌های اسلامی، بلکه فرهنگ اصیل ملی مردم



و بیشتر باورهای راه‌گشا و مبارک آنان، آماج تیرهای زهرآگین دشمنان قرار گرفته است و صدها رسانه‌گفتاری و تصویری و نوشتاری و انبوهی از نویسندگان و پژوهشگران و گویندگان و هنرمندان و پشت سر آنان، سیاست‌بازان و سرمایه‌داران و مزدورانشان از چهار گوشه‌ی جبهه‌ی استکبار، ایران اسلامی و ملت سرافراز آن و به‌ویژه نسل جوان نام‌آور و شجاع آن را هدف گرفته‌اند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۹/۱۴)

۲. تهی کردن انقلاب از درون با ایجاد جو تردید و ناامیدی

در این زمینه، دال «جنگ» نرم، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دال‌های گفتمان دشمن، مورد توجه ایشان قرار می‌گیرد. از این‌رو به اعتقاد ایشان جنگ نرم؛ یعنی جنگ به‌وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله‌ی نفوذ، به‌وسیله‌ی دروغ، به‌وسیله‌ی شایعه‌پراکنی (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۴) و دشمن «از این طریق همواره در تلاش بوده تا بتواند با شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی و ایجاد جو تردید و ناامیدی خصوصاً در قشر جوان امنیت ملی کشور را با مخاطره مواجه سازد. لذا همواره درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضداستکباری بیندازد و همواره نیز قصد داشته انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند. این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را می‌طلبد.» (مقام معظم رهبری، ۸۷/۱۱/۲۸)

۳. فاسد کردن جوانان و اشاعه‌ی فساد سبک زندگی غربی

در این زمینه، ایشان معتقدند «امروز یکی از راه‌کارهایی که همواره در جنگ نرم در جهت به مخاطره انداختن امنیت جمهوری اسلامی مطرح است دور ساختن جوانان از سبک زندگی ایرانی اسلامی و فاسد نمودن جوانان با سوق دادن ایشان به نسخه‌ی ناقص از سبک زندگی غربی و فاسد نمودن ایشان می‌باشد. دشمن متأسفانه با استفاده از ضعف و خیانت سران وابسته‌ی نظام‌های اسلامی، از جمله در کشور ما در طول سال‌های پیش از انقلاب، توانسته سبک زندگی خودش را رایج کند. وجود بی‌مبالاتی، اسراف و مشکلات گوناگون در داخل کشور، «به خاطر دور افتادن از اخلاق اسلامی و از سبک زندگی اسلامی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶) و در این راستا مسئله‌ی «تهاجم فرهنگی یا شبیخون فرهنگی یا قتل‌عام فرهنگی در این کشور به‌شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود؛ و تبلیغات دشمن در همه‌جای دنیا روی جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است و دائم تلاش می‌کنند ذهن ملت، به‌خصوص جوانان و مؤمنین را در داخل جمهوری اسلامی تصرف کنند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵) به اعتقاد ایشان «غرب در تهاجم همه‌جانبه‌ی خود، ایمان و خصال اسلامی ما را نیز هدف قرار داد و در سایه‌ی متاع دانش خود که همه‌ی بدن احساس



نیاز می‌کردند، فرهنگ اباحی‌گری و بی‌مبالاتی در دین و اخلاق را که خود دچار آن است
مصرانه به‌جوامع ما صادر کرد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۹/۱۸)

۴. ناکارآمدی برخی از مدیران و نبود برنامه و یا عدم اجرای صحیح

بحث ایجابی ایشان در این زمینه، آن است که برای «رسیدن به امنیت فرهنگی پایدار باید برنامه و مهندسی فرهنگی داشت که نبود آن و عدم تدوین آن در مدت زمان معقول سبب خساراتی بزرگ برای انقلاب اسلامی خواهد شد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۷/۲۶) اما نکته مهم در این زمینه، آن است که «یکی از مهم‌ترین و ویژه‌ترین مسائلی که می‌تواند دستگاه‌های فرهنگی را به انحراف بکشاند، وادادگی مدیران است. وادادگی مدیران، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین و مضرترین عواملی است که دستگاه‌های فرهنگی را به انحراف می‌کشاند. وقتی که دستگاه فرهنگی منحرف شد، نتیجه‌اش در بیرون معلوم می‌شود. آن دستگاهی که باید در جهت رشد فکری و فرهنگی و عملی انسان‌ها فیلم بسازد و کتاب تولید کند و تمام ابزارهای فرهنگی را در این جهت به کار بیندازد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲)

دال‌های گفتمان امنیت فرهنگی مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری، در صورت‌بندی گفتمان‌شان در زمینه امنیت فرهنگی، راه‌کارهای ارائه داده‌اند که می‌توان به‌عنوان دال‌های فرعی حول محور دال مرکزی «تأمین امنیت فرهنگی» و تکمیل‌کننده پازل امنیت فرهنگی مفصل‌بندی کرد. این راه‌کارها را می‌توان به‌صورت ذیل بیان نمود.

ترویج فرهنگ دینی و تعلیم فضایل اخلاقی

به اعتقاد ایشان، «در نظام جمهوری اسلامی ایران حفظ هویت دینی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است و یکی از بهترین کارهایی که می‌تواند به‌حفظ هویت دینی کمک کند روی آوردن به قرآن کریم است چراکه ما معارفی در قرآن داریم، مفاهیمی در قرآن داریم که این مفاهیم حقیقتاً سازنده زندگی مقتدرانه و عزت‌مندانه امت اسلامی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲/۷) در این زمینه، ضمن توجه به دال «تهاجم فرهنگی» برای مبارزه با آن، اعتقاد دارند که این مسئله «باید در مدت‌زمانی کوتاه با عزم و اراده تحقق یابد و در کنار این امر نیز مردم هم باید به فراگرفتن دین تشویق شوند و با دین صحیح و پیراسته آشنا شوند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۱/۲۳) بنابراین در مجموع باید جهت غنا بخشیدن به هویت دینی باید به برخی از فرهنگ‌های اصیل دینی و ملی توجه بیشتری داشت و آن‌ها را نشر داد فرهنگ‌هایی نظیر فرهنگ شهادت فرهنگ اربعین فرهنگ جهاد فرهنگ دفاع مقدس و از این طریق می‌توان هویت دینی و ملی را بیمه کرد و امنیت فرهنگی کشور را تضمین نمود درواقع رهنمون این فرهنگ‌ها مقابل فرهنگ‌های مهاجم می‌تواند فضای



تخاصم را به نفع فرهنگ دینی تغییر دهد این خرده‌فرهنگ‌ها را تحت عنوان دال‌های فرعی اسلامیت نظام اسلامی مفصل‌بندی نماید و از این طریق امنیت نرم فرهنگی را با این گفتمان تأمین کند.

داشتن اقتدار و قوی نمودن کشور در عرصه فرهنگی

به اعتقاد ایشان «یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات دشمن همواره ایجاد روحیه ضعف و ناامیدی بوده و همان‌گونه که در قسمت تهدیدات بیان شد همواره سعی داشته انقلاب اسلامی را از درون استحاله نمایند و روحیه یأس و ناامیدی را در کشور تزریق نماید لذا باید برای مقابله با این موضوع در تمام زمینه‌ها کشور را قوی نمود در این خصوص قرآن می‌فرماید «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است و قوت تبلیغی.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱/۳) «لذا ملت ایران باید به‌مدد اسلام و اتحاد و اتفاقشان، خود را قوی کنند. اگر ملت ما از لحاظ نظامی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، در حد اعلای قدرت بود، می‌تواند زندگی خود و ملت‌های مسلمان را نجات بدهد. اگر قوی و مقتدر بود، اگر وضعی داشت که امید قدرت‌های بزرگ و متجاوز را قطع کرد و به‌یأس مبدل نمود، برای جوامع اسلامی، الگو خواهد بود.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۵/۲۹) به این معنا که «از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به‌شکل صحیحی دفع شود.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۲/۲۸) برای این کار «یکی از این راه‌های قوی شدن و جلوگیری از خودباختگی تقویت حس اعتماد به‌نفس در کشور است چراکه اگر ملتی از ایمان برخوردار بود و بااراده بار آمد و قدرت تصمیم‌گیری به او تعلیم داده شد، در همه میدان‌ها در میدان سیاست، در میدان مبارزات فرهنگی و مبارزات نظامی پیروز است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۶/۱۵) و «به استقلال فرهنگی خواهد رسید که این، بسیار سخت است و بسیار خون‌دل دارد. مبارزه برای استقلال فرهنگی، از همه انواع استقلال‌ها سخت‌تر است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۲/۱۵)

ارائه سبک زندگی ایرانی‌اسلامی

در این زمینه ایشان اعتقاد دارند «همان‌گونه که در قسمت تهدیدات عمده علیه جمهوری اسلامی ایران ذکر گردید یکی از راه‌کارهای عمده دشمن ترویج سبک زندگی غربی و فاسد نمودن نسل جوان با ارائه الگوی غلط از این سبک زندگی می‌باشد که رهبر معظم انقلاب یکی از راه‌کارهای عمده مقابله با آن را سبک زندگی ایرانی اسلامی می‌دانند



و اهمیت آن را به حدی می‌دانند که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن تأکید ویژه‌ای داشته و بیان می‌دارند تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد. «مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲» و «در سیاست‌های کلی جمعیت نیز به نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی اشاره شده است.» «مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۲/۳۰» اهمیت «سبک زندگی ایرانی اسلامی تا جایی است که شکل‌دهنده استقلال فرهنگی است استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب بکنیم. چرا که تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است.» «مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴» مدیریت جهادی کارآمد، اجرای صحیح قوانین و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی «مهم‌ترین موضوع جهت دست‌یابی به یک گفتمان صحیح و کارآمد ترسیم یک نقشه راه برای فرهنگ کشور می‌باشد که از تحت عنوان مهندسی فرهنگی یاد می‌شود. نقشه‌ای که در آن ما وضع فرهنگی مطلوب کشور را تصویر کنیم و اجزاء متشکل آن را در مقابل خودمان ترسیم کنیم، بعد باید به اولویت‌ها پرداخت، اینکه کجاها احتیاج به مراقبت بیشتر دارد؛ به آنجاهایی که در این مدت مغفول‌عنه باقی مانده و سپس باشد مسئله را دنبال کنیم؛ یک جاهایی سرمایه‌گذاری بیشتری لازم دارد، به این‌ها توجه کنیم. این، مهندسی فرهنگی است.» «مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۲۳» لیکن باید به صورت کامل انجام شود و به عنوان یک سند بالادستی به اجرا درآید.

جدول تهدیدات حوزه فرهنگی و بایدها و راه کارهای تأمین امنیت فرهنگی از دیدگاه گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

راه کارهای تأمین امنیت نرم در حوزه فرهنگ از دیدگاه گفتمان مقام معظم رهبری	تهدیدات حوزه فرهنگی از دیدگاه گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
ترویج فرهنگ دینی و تعلیم فضایل اخلاقی	اسلام‌زدایی و هویت دینی و ملی
داشتن اقتدار و قوی نمودن کشور در عرصه فرهنگی	تهی کردن انقلاب از درون با ایجاد جو تردید و ناامیدی
ارائه سبک زندگی ایرانی اسلامی	فاسد کردن جوانان و اشاعه فساد سبک زندگی غربی
مدیریت جهادی کارآمد، اجرای صحیح قوانین و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی	ناکارآمدی برخی از مدیران و نبود برنامه و یا عدم اجرای صحیح



۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث، نتیجه‌گیری

قدرت نرم، یکی از مهم‌ترین مباحث قدرت و امنیت در مباحث امنیتی و سیاسی جدید است و چند سالی است مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از مباحثی که در ادامه این موضوع مطرح می‌شود، مسئله فرهنگ و امنیت فرهنگی است. این را باید در نظر داشت که در دیدگاه‌های رئالیستی، امنیت، بیش از همه وجوه سلبی امنیت مورد توجه است که عبارت از «نبود تهدیدها»، از جمله تهدیدات نظامی است و این دیدگاه، به وجوه نرم امنیت و قدرت توجهی ندارد. در عین حال، دیدگاه‌های جدید در عین اینکه به «تهدید» به عنوان یک مقوله مهم در امنیت توجه دارد، آن را به عرصه‌های دیگری چون فرهنگ و مباحثی چون هویت نیز می‌رساند و در عین حال، وجوه «ایجابی» امنیت نیز توجه دارند.

در بحث‌هایی که در پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع مقاله حاضر آمده است، بیش از همه یا به صریحاً مباحثی چون «قدرت نرم» یا «جنگ نرم» و مصداق‌های قدیم و جدید آن پرداخته شده است که به خصوص در مطالعات متقدم به آن اشاره شده است یا اینکه بیانات رهبری را بیشتر در قامت «توصیه»ها مورد توجه قرار داده‌اند. در عین حال، توجه به خود مفهوم امنیت و ابعاد آن نیز، طبیعتاً، مورد نظر پژوهش‌های پیشین بوده است که بیشتر وجوه «سلبی» امنیت و امنیت فرهنگی را در نظر داشته‌اند و کمتر به وجوه «ایجابی» آن پرداخته‌اند و حتی در مواردی که به گفتار مقام معظم رهبری نیز پرداخته شده است، این وجه نیز بارز است. این پژوهش، ضمن توجه به این موارد، با در نظر داشتن این بحث که «امنیت فرهنگی» را بیش از همه مسئله‌ای مربوط به «داخل» کشور دانسته و البته وجوه بیرونی آن را انکار نکرده و «تمرکز» خود را بر مسائل داخلی گذاشته است، با در نظر داشتن «قدرت نرم» و نقش آن در «امنیت فرهنگی» به بحث ورود پیدا کرده و سعی نموده است که «خصلتی» گفتمانی به آن بدهد و از آنجا که گفتمان‌ها، بر مبنای امور زبانی شکل می‌گیرند و «مفصل‌بندی» دال‌های آن‌ها، برآمده از یک زنجیره هم‌ارزی» با هم هستند، این دو مقوله را در دو دسته‌بندی «تهدیدات» و «راه‌کارها» در بیانات و پیام‌های مقام معظم رهبری آورده و بیان کرده است.



۵-۲- نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های مختلف، تحت تهاجم دشمنان نظام اسلامی قرار داشته است. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های متعدد از آن تحت عنوان تهاجم فرهنگی یاد می‌نمایند و دشمن در عرصه جنگ نرم برنامه‌ریزی خود را به سمت مقابله با فرهنگ اسلامی و ایرانی تحت عنوان پروژه‌های اسلام‌ستیزی و ایران‌ستیزی سوق داده است. لذا جمهوری اسلامی ایران نیاز به یک گفتمان فرهنگی قوی داشته که بتواند با بهره‌گیری از مبانی انقلاب اسلامی بر گفتمان‌های دیگر هژمونی یافته و آن‌ها را از میدان مبارزه فرهنگی خارج نماید تا بتواند امنیت نرم فرهنگی خود را تأمین نماید. مؤلفه‌های اصلی این گفتمان که از مبانی مقام معظم رهبری استخراج شده بود، حول دال مرکزی فرهنگ مفصل‌بندی گردیدند و در این پژوهش تلاش شد با توجه به بیانات ایشان، در قبال «تهدیدات» فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فضای تخصص در عرصه این تهدیدات نشان داده شود. این تهدیدات، البته، صرفاً امور مربوط به دشمن و بیگانگان نیست و بخش‌هایی از آن به «عملکرد» داخلی نیز باز می‌گردد که نشان می‌دهد، «غیر» گفتمان تهدید فرهنگی را نه تنها در بیرون از کشور که باید در داخل نیز جست‌وجو کرد. از سوی دیگر، در بحث پیرامون خود گفتمان امنیت فرهنگی ایشان که در قالب راه‌کارها، در بیاناتشان آمده است، این مهم دارای اهمیت است که در عرصه‌های فرهنگی باید با توجه به تهدیدات، به‌دنبال شکل‌دهی به گفتمانی بود که بر مبنای تحلیل گفتمان که روش این مقاله است، نهادها و ساختارها، بتوانند به‌درستی کارکرد خود را به‌صورت هماهنگ انجام دهند و به بیان گفتمانی با «هژمونی» گفتمان مقام معظم رهبری بتوان از امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی، در داخل و خارج از آن، دفاع نمود در یک جمله باید گفت رعایت گفتمان مقام معظم رهبری در عرصه فرهنگی ضامن تأمین امنیت پایدار در زمینه فرهنگ در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۳-۵- پیشنهادها

برای پژوهش‌های پژوهشی آینده، می‌توان به این موضوعات پرداخت:

۱. مؤلفه‌های اقتصادی امنیت نرم در گفتمان مقام معظم رهبری
 ۲. آینده پژوهی گفتمان امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری.
 ۳. بررسی تأثیر گفتمان امنیت فرهنگی مقام معظم رهبری بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.
- پیشنهادهای کاربردی



۱. سیاست‌گذاری فرهنگی، بر مبنای افزایش امنیت فرهنگی، با توجه به مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران.
۲. توجه به مبانی فرهنگ ملی و تقویت آن برای افزایش امنیت فرهنگی، با در نظر داشتن تنوعات فرهنگی جامعه
۳. تقویت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های نفوذ فرهنگی آن با همکاری نهادهای مربوط در وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای مسئول و مرتبط.

۶- منابع

۶-۱- مقاله‌ها

- ۱) ابراهیمی، شهرز و مصطفی محمدی (۱۳۹۱)، فرهنگ بستری برای جنگ نرم، مهندسی فرهنگی، سال ششم - شماره ۶۵ و ۶۶، خرداد و تیر.
- ۲) اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی، مطالعات راهبردی، دوره ۲، شماره ۳، خرداد.
- ۳) اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست، سیاست، شماره ۲۴، زمستان.
- ۴) اخوان مقدم، زهره و زینب نوبخت گیلوان (۱۴۰۰)، مبانی قرآنی اندیشه جهادی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ناظر بر جنگ سخت و نرم، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۲۷، مهر.
- ۵) اعرابی، غلامحسین (۱۳۹۹)، مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مطالعات علوم قرآن، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳)، بهار.
- ۶) افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، بهار.
- ۷) افسرده، عطاءالله و دیگران (۱۳۹۸)، گفتمان انقلاب اسلامی و ترسیم الگویی بدیل برای دولت، سپهر سیاست، سال ۶، شماره ۲۰، تابستان.
- ۸) براتلو، فاطمه (۱۳۹۱)، امنیت فرهنگ و راهبردهای کلان آن در حوزه مدیریت فرهنگی، جامعه پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- ۹) حبی، محمدتقی و دیگران (۱۳۹۳)، زمینه‌های جنگ نرم و نقش‌های پیشگیرانه و مقابله ای بسیج، مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۲، بهار.
- ۱۰) حبیب‌زاده، قاسم (۱۳۹۸)، ابعاد امنیت از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۱، بهار.



- ۱۱) حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۳)، *نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی*، علوم سیاسی، زمستان، شماره ۲۸.
- ۱۲) حیدری، عباس و مسعود مطلبی (۱۳۹۸)، *آینده‌پژوهی امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای*، مطالعات سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، شهریور.
- ۱۳) دشتی، فرزانه و حدیث باقری‌نیا (۱۳۹۹)، *بازخوانی مسئله امنیت فرهنگی در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر بینش، نگرش و کنش مقام معظم رهبری)*، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳۴، سال نهم، پاییز.
- ۱۴) دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۰)، *فناوری‌های قدرت در جنگ نرم*، مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، شماره مسلسل ۵۱، بهار.
- ۱۵) رجایی، زهرا (۱۳۹۶)، *نسبت امنیت فرهنگی و تمدن اسلامی در جمهوری اسلامی ایران؛ مروری بر تئوری‌ها، سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)*، شماره ۱۵، پاییز.
- ۱۶) رضاپور، دانیال و علی اسکندری نسب (۱۳۹۸)، *امنیت فضای سایبر در رویکرد فرهنگی مقام معظم رهبری*، مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، بهار.
- ۱۷) رهبر، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۴)، *قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی*، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴، (شماره پیاپی ۴۴)، پاییز.
- ۱۸) زارع، سعیده و دیگران (۱۳۹۹)، *طراحی الگوی امنیت فرهنگی در توسعه پایدار، نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، دوره ۱۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۶۱، زمستان.
- ۱۹) سعیدی، وحید و دیگران (۱۳۹۸)، *تحلیل گفتمانی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرقه‌نگاری در میان مسلمانان*، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۵، تابستان.
- ۲۰) سلیمی، حسین (۱۳۹۰)، *مبانی نظری قدرت نرم؛ زمینه‌های اجتماعی قدرت نرم در جهان اسلام*، قدرت نرم، سال ۱، شماره ۴، زمستان.
- ۲۱) سیمیر، رضا و دانیال رضاپور (۱۳۹۷)، *امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای*، سیاست‌پژوهی، دوره ۵، شماره یازدهم، زمستان.
- ۲۲) شایگان، فریبا (۱۳۹۱)، *امنیت پایدار از دیدگاه مقام معظم رهبری*، آفاق امنیت، سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار.
- ۲۳) شجاعی‌زند، علیرضا و حسینعلی قجری، *قابلیت‌های تحلیل گفتمان در بررسی پدیده‌های فرهنگی - اندیشه‌ای (با تأکید بر گفتمان هژمونیک شده در انقلاب اسلامی)*، فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۴۰.



- ۲۴) شفیعی، جمال و محمد مولایی (۱۳۹۹)، نظریه پردازی؛ الگوی راهبردی دین در تولید امنیت فرهنگی، امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، تابستان.
- ۲۵) صادقی زاده، سلمان (۱۴۰۰)، تحول پارادایمی در معانی و دلالت‌های مفهوم امنیت، مطالعات راهبردی، دوره ۲۴، شماره ۹۱، خرداد.
- ۲۶) صولتی سروندی، حسین و علیرضا کلاتر مهرجردی (۱۳۹۷)، هویت فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، علوم و فنون نظامی، سال پانزدهم، شماره ۴۷، بهار.
- ۲۷) عامری گلستانی، حامد و نفیسه سادات قادری (۱۳۹۱)، نگاهی گفتمانی به اسلام‌هراسی، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره چهارم، زمستان.
- ۲۸) عرفان‌منش ایمان (۱۴۰۰)، فرایندشناسی آرامش و امنیت در منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی، اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۲۵، بهار و تابستان.
- ۲۹) عیوضی محمدرحیم و دیگران (۱۳۹۵)، مبانی جنگ نرم در اندیشه مقام معظم رهبری، جبل‌المتین، شماره ۱۴، سال پنجم، بهار.
- ۳۰) فرجی، غلام‌حسن (۱۳۹۹)، راهبرد مقاومت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه و عمل آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره دوم، تابستان.
- ۳۱) لطفیان کریم، ابراهیم و دیگران (۱۴۰۰)، رصد راهبردهای جنگ نرم ماهواره‌ای نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر میزان تأثیرگذاری بر نسل جوانان آینده‌ساز)، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی ۵، تابستان.
- ۳۲) متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، مدیریت جنگ نرم در فضای عدم تعادل امنیتی، مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان. محرمی، توحید (۱۳۹۷)، آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین ایرانی‌اسلامی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان.
- ۳۳) مرادی رستگار، حمیدرضا و دیگران (۱۳۹۴)، جنگ نرم (جنگ خاموش) تهدیدی علیه امنیت جامعه، دانش انتظامی همدان سال دوم، شماره ۴ (پیاپی ۷)، زمستان.
- ۳۴) مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن، معرفت فرهنگ اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، بهار.
- ۳۵) مهدی پور، آسیه (۱۳۹۹)، بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان.



۳۶) مهدی پور، محمد و دیگران (۱۳۹۵)، **آن روی سکه جنگ در شاهنامه (بررسی مؤلفه های جنگ نرم در شاه جنگ روانی رستم)**، زبان و ادب فارسی (دانشگاه تبریز) سال ۶۹، شماره ۲۳۳، بهار و تابستان.

۳۷) نادرپور، محمدرضا (۱۳۹۷)، **گفتمان سازی امنیت اجتماعی با تکیه بر آرا و نظرات مقام معظم رهبری**، مطالعات راهبردی ناجا، سال سوم، شماره هفتم، بهار.

۳۸) نائینی، علی محمد (۱۳۸۵)، **امنیت فرهنگی، نظریه ها و رویکردها**، مطالعات عملیات روانی پاییز و زمستان، شماره ۱۴.

۳۹) نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، **بررسی تطبیقی سه گانه تهدید سخت، نیمه سخت و نرم**، راهبرد دفاعی، دوره ۸، شماره ۳۰، پاییز.

۶-۲- کتابها

۱) بشیر، حسن (۱۳۸۵)، **تحلیل گفتمان درجه‌ای بری کشف ناگفته‌ها**، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

۲) حقیقت، صادق (۱۳۸۵)، **روش شناسی در علوم سیاسی**، قم، دانشگاه مفید.

۳) خاکی غلامرضا (۱۳۹۹)، **روش تحقیق (با رویکرد پایان نامه نویسی)**، تهران، فوژان.

۴) خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۵)، **روش های تحقیق در علوم انسانی**، تهران، یادواره کتاب.

۵) دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۲)، **جهانی شدن و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

۶) منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، **رهیافت و روش در علوم سیاسی**، تهران، سمت.

۷) یورگنسن، ماریان و لوتیز فیلیپس (۱۳۸۹)، **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

۶-۳- بیانات و پیام های مقام معظم رهبری

۱) بیانات در دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۶۹/۵/۲۹

۲) بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵

۳) بیانات در دیدار جمعی از پاسداران ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

۴) انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۵/۹/۱۴

۵) بیانات در مراسم افتتاحیه مانور فرهنگی - ورزشی جانبازان و معلولان ۱۳۷۶/۶/۱۵

۶) بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۹/۱۸

۷) بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۲۲/۱۲/۱۳۷۹

۸) بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸

۹) بیانات در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح ۱۳۸۰/۷/۴

۱۰) علم عقلانیت بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۳۱/۰۶/۱۳۸۶



- ۱۱) بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۸/۱/۲۳
- ۱۲) بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۷/۱۱/۲۸
- ۱۳) بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
- ۱۴) بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
- ۱۵) دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب ۱۳۹۰/۳/۲۳
- ۱۶) ابلاغ سیاست‌های کلی «جمعیت» ۱۳۹۳/۲/۳۰
- ۱۷) حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۳/۷/۲۶
- ۱۸) بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۴/۱۱/۱۹
- ۱۹) بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۳/۱۴
- ۲۰) بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷
- ۲۱) بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران ۱۳۹۷/۱۱/۲۲
- ۲۲) گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۸/۵/۳۰
- ۲۳) بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام ۱۳۹۸/۱۱/۲۶
- ۲۴) سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۳۹۹/۱/۳

۶-۴- منابع لاتین

Articles

1. Borisenko, Olga et. al (2017), Cultural Security of the Transboundary in a Globalizing World: A Theoretical and Methodological Analysis, European Research Studies Journal, Volume XX, Special Issue.
2. Dapeng, Yang et. al (2016), Non-traditional Security: a Study of Endogenous Cultural Security Based on the Buddha Event, 3rd International Conference on Education, Management and Computing Technology (ICEMCT).
3. Forrest, Scott (2004), Indigenous Identity as a Strategy for Cultural Security, Presented at Northern Research Forum, Plenary on Security, Yellowknife, NWT, September 18.
4. Gray, Colin S. (2011), HARD POWER AND SOFT POWER: THE UTILITY OF MILITARY FORCE AS AN INSTRUMENT OF POLICY IN THE 21ST CENTURY, STRATEGIC STUDIES INSTITUTE.
5. Han, Lin (2014), Chinese Cultural Security in the Information Communication Era, Focus Asia Perspective & Analysis, No. 6 February.
6. Jørgensen, Marianne & Lousie J. Phillips (2002), Discourse Analysis as Theory and Method, SAGE Publications.
7. King, Gary and Christopher J.L. Murray (2001-2002). Rethinking Human Security. Political Science Quarterly, volume 116, n 4.



8. Laclau, Ernesto & Chantal Mouffe (1985), *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics*. London, Verso.
9. Li, Jianjun et. al (2020), Study of situation awareness of cultural security based on social media analysis, *International Journal of Distributed Sensor Networks*, Vol. 16(1).
10. Marshal, Gordon (2009) *Oxford Dictionary of Sociology*, Oxford: Oxford University Press.
11. Mouffe Chantal (2008). *Critique as Counter-Hegemonic Intervention*. Transversal multilingual webjournal. Vienna: European Institute for Progressive Cultural Policies. <http://eipcp.net/transversal/0808/mouffe/en/print>.
12. Nye, Joseph S. (1990), *Soft Power*, *Foreign Policy*, No. 80, Twentieth Anniversary.
13. Nye, Joseph S (2004) *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York, Public Affairs
14. Nye, Joseph S. 2003. *Understanding International Conflicts*. New York: Longman.
15. Nye, Joseph S. 2005. 'On the Rise and Fall of American Soft Power', *New Perspectives Quarterly*, 22, 3.
16. Nye, Joseph S. 2011. *The Future of Power*. New York: Public Affairs.
17. Nye, Joseph S. (2021): *Soft power: the evolution of a concept*, *Journal of Political Power*, Published online: 10 Feb, <https://doi.org/10.1080/2158379X.2021.1879572>.
18. Prasad, Dilli Poudell and Tor Halfdan Aase (2015), *Discourse Analysis as a Means to Scrutinize REDD+: An Issue of Current Forest Management Debate of Nepal*, *Journal of Forest and Livelihood*, 13, (1), May.
19. Pasic, Amir (1998), *Culture, Identity, and Security: An Overview*, PROJECT ON WORLD SECURITY ROCKEFELLER BROTHERS FUND, Rockefeller Brothers Fund, Inc.
20. Price, Monroe (2012), *Iran and the Soft War*, *International Journal of Communication*, 6
21. Sabet, Farzan & Roozbeh Safshekan (2013), *Soft War: A New Episode in the Old Conflicts Between Iran and the United States*, *Soft War: A New Episode in the Old Conflicts Between*.
22. Smith, Anna Marie (1998), *LACLAU AND MOUFFE The radical democratic imaginary*, London & New York, Routledge.
23. Smith, Gayle E. (2008), *In Search of Sustainable Security Linking National Security, Human Security, and Collective Security to Protect America and Our World*, Center of American Progress, June.
24. Torfing, Jacob (1999), *New theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Žižek*. Oxford: Blackwell.
25. Wæver, Ole et.al. (1993), *Identity, Migration & the New Security Agenda in Europe*, Denmark, St. Martin's Press.

